

ویژگی های شهرسازی، شهرنشینی و شهرگرایی در دوران معاصر

غلامرضا لطیفی

چکیده:

نظام شهرسازی ایران در یکصد و پنجاه سال اخیر دچار تغییر و تحولات گسترده ای شده است؛ در دوران قاجار و بعد از جنگ های ایران و روس به تدریج ایران با مدرنیسم آشنا می شود و در دوران ناصرالدین شاه سرآغاز برخورد با جوامع غربی و گرتبهرداری از مظاهر جامعه غربی است. سفرهای شاهان قاجار به اروپا و تحت تأثیر قرار گرفتن آنان، به تدریج بعضی از مظاهر جامعه مدرن به جامعه ایرانی تزریق میشود؛ شهر بستر تغییرات این روند است و تا پایان قاجار این روند در حال رشد است و در اواخر آن شاهد وقوع انقلاب مشروطه می باشیم که یک رخداد سیاسی، مدنی (شهری) اجتماعی است؛ با روی کار آمدن خاندان پهلوی و اقدامات گسترده اداری و سیاسی؛ شهر بستر تغییرات گسترده ای شد و تا سال ۱۳۲۰ استمرار می یابد (که هم عصر مدرنیسم در اروپا است). در دوره بعد که خود به دو دوره از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ و از ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ تقسیم می شود، با دو هجوم جمعیتی از روستا به شهر و نیز از شهرهای کوچک به بزرگ مواجهیم که درآمدهای نفتی بر روند آن تأثیرگذار است و در دوره انقلاب اسلامی که آن نیز به دو دوره قابل تقسیم است، یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ که کشور درگیر جنگ تحمیلی است و از سال ۱۳۶۸ تاکنون که با رویکرد اقتصاد

شبه آزاد، نظام شهرسازی کشور دستخوش فرایند درامدزایی قرار گرفت و تاکید عمده آن بر فروش تراکم است، در این گذار خاص تاریخی هنوز شهرسازی معاصر درگیر شرایط ناثبات و متزلزل در حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری است که سعی شده است در این مقاله به آن پردازیم.

واژگان کلیدی: شهرسازی، شهرنشینی، شهرگرایی، معاصر، تحولات، نظام

مقدمه:

شهرسازی معاصر در ایران در نوعی تکاپوشناسی معناگرایانه و دگردیسی از جامعه سنتی به سوی یک جامعه مدرن شهری حرکت کرده است و به صورت بنیادی و شالوده ای نتوانسته از دل نیازهای یک جامعه نیازمند تغییر کرده و دگرگون شود. مهاجرت های دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی و هجوم اقشار تهیدست روستایی که به دلیل تغییر در نظام تولیدی جامعه (کشاورزی به صنعت و خدمات) دچار مهاجرت های ناخواسته گردید و به شکلگیری اقشار تهیدست شهری و به ویژه حاشیه نشینی شهری دامن زد. (بیات ۲۰۱۲)، (اشرف ۱۳۵۶)، (سلطانزاده ۱۳۷۵)، (حبیبی ۱۳۸۴)، (پیران ۱۳۷۶). بعد از انقلاب مشروطه و تجربه زیسته جامعه ایرانی برای شکل گیری نهادهای شهری و فروپاشی نظام ملوکالطوائفی قاجار و حرکت به سمت آرمان گرایی برای یک جامعه جدید که تبلور عینی در حضور و ظهور جامعه شهری دارد، متبلور و متمرکز شد، که روند رشد آن (شهرنشینی) و شکل گیری طبقه ای نوظهور و نوظهور (متوسط) که به تدریج بر فرآیند تغییرات اجتماعی در سال های آینده اثر گذار شد.

بیان مسأله

با روی کار آمدن رضاشاه فعالیت های شدیدی در زمینه تغییرات فیزیکی شهرها صورت گرفت. دولت جدید ناشی از کودتا، پرچمدار (نوگرایی) و دگرگونی در سازمان کهن

زیست و تولید، در اولین برخورد خود دگرگونی ساختار کالبدی شهر و شالوده تاریخی آن را در دستور کار قرار داد؛ با این باور که دگرگونی کالبدی و شکلی، تغییرات پایه ای و محتوایی را سبب خواهد شد و خود دولت است که تعیین کننده سبک معماری بود و اغلب پروژه های معماری را نیز دولت اجرا می کرد (معرفت، ۱۳۰، ۱۳۷۵-۱۳۸). بر این مبنا، برای نخستین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن می شود چهره و سازمان شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی، بلکه بر اندیشه و تغییراتی برونی دگرگون سازد. اندیشه ای که تحول و تطور شهر را از قرون وسطای اروپا به بعد باز می شناسد و با تغییراتی که در قرن نوزدهم بر پیکر شهر وارد آورده است، بر آن بود تا آن را با دو مقوله "کارآیی" و "بازدهی" هماهنگ و منطبق سازد. این دگرگونی ها در شروع، دخالت و تغییر شکل در بافت و ساختار کالبدی و فضایی شهر را در دستور کار خویش قرار داد. (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۵۷). یکی از تأثیرات جنبی برنامه احداث ساختمان های دولتی توسط رضاشاه، افزایش چشمگیر انواع مصالح ساختمانی بود. مصالح جدید به ویژه بتن و فولاد و شیشه و روش های نوآورانه در اجرای سازه، جایگزین مصالح و روش های قدیمی شد. اصول اساسی طراحی که قرن ها متداول بود تغییر کرد و در مواردی نیز طرح های اساساً متفاوتی برای جانمایی فضاها، جای آنها را گرفت. مهمترین تغییر، ناشی از استفاده از بتن بود. استفاده از بتن در این دوره سبب شد که نسل جدید معماران ایرانی وارد جریان جهانی مدرنیسم شوند. اشکال دایره ای، دهانه ای عریض و پلان های باز، عرصه هایی بودند که بتن زمینه ورود به آن ها را فراهم آورد. به این ترتیب سبک معماری جدیدی به وجود آمد که به معماری سیمانی معروف شد. تحسین پیشرفت و ترقی غرب در دولت قاجار به شیفتگی به غرب در دولت پهلوی ختم شد. همراه با روابط نزدیک میان ایران و اروپا، فضای شهری پایتخت و شهرهای بزرگی چون مشهد و همدان بیش از همه تحت تأثیر قرار گرفت. بر این اساس در سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ همواره با رشد اقتصاد سرمایه داری در کشور و زیر فشار تجدیدطلبی روند شهرنشینی و روند نوسازی شهر قوت گرفت. در آغاز این دوره با رواج تولیدات کارخانه ای، توسعه حمل و نقل ماشینی و گسترش تأسیسات و تجهیزات جدید شهری و ضرورت نوسازی شهرها، در

دستور کار دولت تجدیدطلب وقت قرار گرفت و در نتیجه نخستین اقدامات و طرح های شهرسازی، به صورت نوعی شهرسازی نظامی به مرحله اجرا درآمد و در چارچوب این تغییر و تحولات، مداخله در روند رشد و توسعه شهری در حوزه وظایف دولت مرکزی قرار گرفت (فرهمنده، ۱۳۸۰: ۲). از مهمترین اقدامات شهرسازی این دوره که بعدها تغییرات ساختاری به همراه آورد می توان به موارد زیر اشاره نمود: در سال ۱۳۰۷ اولین مجموعه قوانین و مقررات نما سازی شهری تدوین شد. در این طرح، الگوی شهرسازی رایج در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا به کار برده شده است. نحوه جانمایی عناصر شهری، تابعیت ساختار فضایی شهر از نظام محورها و میدان های متقارن و تکرار و تعمیم الگوی تقارن از سطح خیابان و استخوان بندی اصلی تا معابر و اجزای فرعی، بلوارها و خیابان های درختکاری شده عریض و طولانی که در محل تقاطع شان میدانهایی نما سازی شده شکل گرفت و تجمع ساختمان های شهری و اداری در سایت های متمرکز مانند پارکهای اداری انتظام یافته، همه الگوهای برگرفته از شهرسازی اروپایی آن دوره هستند (صفامنش و منادی زاده: ۱۳۷۸: ۲۵۹-۲۵۴).

قانون بلدیة به صورت کاملتر در سال ۱۳۰۹ تصویب شد. متن این قانون به منظور رفع مشکلات مالی دولت در زمینه امور شهری تدوین شده بود و نحوه دریافت عوارض و مالیات ها را مشخص می کرد، نظامنامه انجمن های بلدی طوری تدوین شده بود که دست دولت در نحوه اداره آن باز بوده و بر اساس اهداف دولت صورت می گرفت. چنان که نحوه انتخاب اعضای انجمن بلدیة به صورت دومرحله ای بوده یعنی در مرحله اول مردم تعدادی از اعضای انجمن بلدیة را انتخاب می کردند و در مرحله بعد وزارت داخله (وزارت کشور) از میان برگزیدگان مردم تعدادی را به عنوان اعضای انجمن بلدیة انتخاب می کرد. همچنین رئیس بلدیة را وزارت داخله انتخاب می کرده است. در واقع هدف دولت این بود که انجمن بلدیة به عنوان بازوی کمکی دولت برای اجرای طرح های شهری باشد.

قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان های مصوب ۱۳۱۲ احداث نوعی گذر بندی با نام «جراحی صلیبی» را بر ساختار شهر کهن تحمیل کرد که ضمن تسهیل ورود عنصر وارداتی

ماشین به درون بافت، گسیختگی اجتماعی و کالبدی بافت را به همراه آورد. هرچند قبل از آن، به دستور بوذرجمهری با تخریب دیوارهای پهن شهر تهران و ایجاد خیابان بر روی خندق دور شهر از پدیده‌های وارداتی به عنوان بولوار صورت گرفته بود.

در سال ۱۳۱۸ در پی تصویب قانون و آیین نامه پیشآمدگی در گذرها، بدنه خیابان‌ها و ساختمان‌های مشرف بر آن ملزم به تبعیت از ضوابطی خاص شدند (رشدیه، ۱۳۴۳: ۱۷۹-۱۸۱). اقدامات انجام شده در زمان رضاشاه، تغییرات فیزیکی بود که بدون توجه به نتایج اقتصادی و اجتماعی آن‌ها انجام می‌شد، این اقدامات به دنبال پیاده کردن الگوی مدرن سازی غربی صورت گرفت. هدف این تغییر و تحولات، ایجاد شهرهایی مشابه با نمونه غربی بود. این اقدامات در سال‌های بعد با روی کار آمدن محمدرضا شاه ادامه پیدا کرد. اصلاحات و تغییرات در شهرها از این به بعد در قالب برنامه‌های عمرانی انجام گرفت.

"سیاست نوسازی و دگرگونی اقتصادی که به دست دولت هم در زمان رضاشاه (۴۶-۱۹۲۵) و هم محمدرضا شاه پهلوی آغاز شد، منتهی به رشد نیروهای اجتماعی جدید و نگرانی گروه‌های اجتماعی سنتی گشت. تا اواخر دهه ی ۱۹۷۰م، طبقه متوسط مدرن بزرگ و ثروتمند، جوانان مدرن، زنان حاضر در عرصه عمومی، طبقه ی کارگر صنعتی و تهی دستان جدید متشکل از زاغه نشین‌ها و ساکنان غیرقانونی، بر عرصه‌ی اجتماعی حاکم بودند. به استثنای مورد آخر، سایر موارد نمایان گر ذینفعان توسعه اقتصادی بود که از منزلت نسبتاً بالا و مزایای اقتصادی مشابهی برخوردار بودند. با این حال، تداوم خودکامگی کهنه‌ی شاه مانع از آن می‌شد که این لایه‌های اجتماعی رو به رشد از مشارکت در فرآیند سیاسی بازمانند. همین خودکامگی، آن گروه‌ها را عصبانی کرد. در عین حال گروه‌های اجتماعی قدیمی - بخشی از بازارهای سنتی، قشر میانی شهرنشین‌های دیرین، و سایر هواداران نهادهای اسلامی، به واسطه‌ی راهبرد نوسازی درمانده شدند، زیرا این راهبرد به منافع اقتصادی و منزلت اجتماعی شان ضربه می‌زد." (بیات، ۱۳۹۲)

در چنین دگرگونی‌ها و تحولاتی، مفاهیم و عملکردهای سنتی به کنار گذاشته شدند و شهر به عنوان تبلور فضایی کالبدی این دگرگونی، ارزش‌های قدیم سازمان فضایی خود را به دور انداخت. به همین دلیل است که یکباره دخالت‌های عظیم کالبدی در بافت قدیم

شهرهای ایران از جمله تهران، اصفهان، یزد، کاشان، کرمان، مشهد و همدان آغاز شد که در بسیاری موارد، انسجام کالبدی و اجتماعی این شهرها را تحت الشعاع خود قرار داد. در این مقطع تاریخی، دولت به عنوان نهاد مداخله گر و در عین حال مقتدر، هم از لحاظ قدرت و هم ثروت، برای اولین بار در تاریخ شهرسازی کشور دست به تغییر ساختارهای فضایی شهرها زد. این که بیش از هر چیز به توسعه معابر و خیابان کشی می اندیشیدند، تفکری وارداتی و برونی برخاسته از نظریه پردازی های نوگرایان نسل دوم شهرسازی جهانی بود؛ چراکه خیابان در آن دوران به عنوان نماد تجدد شناخته می شود (غمامی، ۱۳۷۱: ۲۴). ایجاد چنین محورهایی، بدون هیچ تردیدی در جهت فروپاشی عناصر و اجزای سنتی شهر کهن انجام گرفت و توسعه آن ها در جهت تضعیف عملکردهای بازار (به عنوان یکی از ارکان مهم اقتصادی، خودمختاری خود را ازدست می دهد) و مکانگزینی عملکردهای تازه در چنین محورهایی بود؛ به طور کلی که بین عناصر فرهنگی جدایی افتاد و به انزوا کشیده شدند. محله های شهر مفهوم قبلی خود را از دست دادند و زندگی شهری نیز دگرگون و غیر ریشه ای گردید. این نوع شهرنشینی و شهرگرایی که نتیجه مستقیم نفوذ سرمایه های خارجی است، به هیچ وجه با گرایش های شهرنشینی دوران انقلاب صنعتی اروپا که در آن جا شهر به همراه و موازات توسعه صنعت دگرگون می شد، شباهتی نداشت. به طور کلی شهرهای کهن ایرانی در این دوره شاهد تغییرات و دگرگونی های بسیاری بودند زیرا علاوه بر آن که بخش عمده سرمایه گذاری ها در شهرها انجام می شد، احداث خیابان های متعدد، ساخت و سیمای آن ها را به کلی دگرگون کرد. به این ترتیب روندی آغاز شد که منجر به انزوای بافت قدیم و فرسودگی هرچه بیشتر آن ها گردید (نظریان، ۱۳۷۴: ۶۶-۱۹۲).

البته نباید فراموش کرد که انتقال سریع تفکرات و ایده ها از خصایص جامعه مدرن است زیرا جامعه مدرن بر مبنای سرعت انتقال اطلاعات پایه گذاری شده و این تبادل اطلاعات در نهایت موجب یکسان سازی فرهنگ و الگوی معماری می شود. در این دوره همگام با تحولات جهانی و پژواک مدرنیته در سراسر جهان، مداخلات شهرسازی کشورمان نیز از این آرا بی نصیب نماند و برای نخستین بار احداث خیابان های چلیپایی در دستور کار دولت قرار گرفت.

مبانی تئوریک تحولات شهرسازانه

هم عصر بودن دوره رضا شاه با دوره مدرن در غرب و بکارگیری معماران و شهرسازان مدرن در دوران شاهد تغییرات کالبدی در پوسته شهر کهن و تار و پودهای ناپایدار هستیم، ایجاد و احداث خیابانهای چلیپایی و به نظم کشیدن شهرهای نامنظم که سر در بستر تاریخی خویش داشتند نوعی نواختن صور اسرافیلی بود که به گمان مدیران جامعه جدید برای بلند شدن و حرکت به سمت جامعه جدید بود. نظریه های مدرنیستی در حوزه معماری و شهرسازی مدرن و تزریق آن به جامعه ای که هنوز با تعجب و نیز شیفتگی به مظاهر جامعه غربی می نگرد، از ویژگیهای این دوره است، شهر بستر و آمادگاه حرکت جامعه به سمت نوگرایی ناخواسته و از بالا به پایین است. بستر تئوریک این دگرگونی ها برداشت از ایده های مدرنیسم در معماری و شهرسازی است که در دوره های بعد بصورت معماری و شهرسازی التقاطی دنبال می شود.

"سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۹ که دوران جنبش های فکری و نهضت های سیاسی است پرده ای را در حیطه معماری و شهرسازی به خود اختصاص نمی دهد و پرده سوم که با نام مدرنیاسیون یکسویه معرفی شده در میان سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۶ اتفاق می افتد. صحنه معماری در این دوره در قالب سه بینش مشخص ارائه شده است:

«نوپردازانی» که از طرفداران سبک بین الملل شناخته می شوند، «نوسنت گرایانی» که به بازآفرینی ارزش های بومی و ایرانی اعتقاد دارند و «حالت گرایان» یا «طرف داران موج نو» که متأثر از معماری «فراواقع گرا» یا «فرانوپرداز» جهانی هستند. صحنه شهرسازی این دوره نیز با ویژگی «توسعه گری فاوستی گوته» تعریف و پرداخته شده است. مبنای فکری این دوره سبک بین المللی منشور آتن است که مداخلات وسیع در شهر را الزام می دارد. این سال ها، دوره تدوین طرح های جامع در مقیاسی وسیع است. در این دوره «معاصر سازی شهر از طریق تدوین طرح های جامع سبب نشر الگوی تهران در سراسر کشور می شود» (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۵)

تحولات در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷):

با کشیده شدن دامنه جنگ جهانی دوم به ایران در شهریور ۱۳۲۰، فعالیت های شهرسازی کاهش یافته و متوقف شد. اشغال ایران تا آخر جنگ جهانی دوم در ذائقه جامعه و بر تفکرات و فرهنگ حاکم بر جامعه تغییر ایجاد کرد. پس از جنگ جهانی دوم توجه به امر شهرسازی که مدتی به علت تعویض حکومت و مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی و نیز نبود امکانات مالی و از همه مهمتر فقدان متخصصان واجد صلاحیت، تعطیل بود، از سر گرفته شد (مزینی، ۱۳۷۳: ۳۹۴).

اقدامات انجام شده در دهه ۱۳۲۰ را می توان به قرار زیر خلاصه نمود:

الف) احداث خیابان ها و میادین با وسعت کافی و متناسب با نیازهای شهرسازی آن زمان در قلب شهرها و مخصوصاً محله های قدیمی و نامتناسب با اصول شهرسازی جدید.

ب) احداث خیابان های کمربندی در اطراف شهرهای بزرگ به عنوان خیابان دور شهر که اکثر حالت مستقیم شمالی، جنوبی یا شرقی، غربی داشت و گاهی نیز در برخی از نقاط اطراف شهر به صورت قوسی شکل بوده. محدوده خدماتی شهر توسط همین خیابان ها تعیین می شد.

ج) تخریب محل های غیر قابل اصلاح و همچنین گورستان هایی که در مرکز شهرها قرار گرفته بود و تبدیل کردن آن ها به پارک عمومی.

د) تشویق و گاهی وادار کردن مردم به زیباسازی ساختمان ها، مخصوصاً ساختمان هایی که در مجاورت خیابان های احداث شده یا توسعه نیافته قرار می گرفت.

ه) مشخص کردن نقشه گذربندی مناسب در اراضی وسیع که مورد ساخت و ساز قرار نگرفته بود و در محدوده شهر یا مجاور آن ها قرار داشت و احتمال توسعه و احداث ساختمان در آنها در دوره های میان مدت آینده داده می شد.

دستگاه های دولتی مرتبط به طور کامل عهده دار تهیه طرح های شهری بر اساس شرح خدمات همسان متمرکز شدند. در نتیجه، طرح های شهرسازی به صورت شهرسازی آمرانه یا حکومتی به مرحله اجرا درآمد. این نوع از شهرسازی که تغییر ساختارهای فضایی شهرهای

کهن ایرانی را به دنبال داشت، بیش از همه ناشی از انقلاب مشروطیت و قانونمند شدن رابطه دولت و مردم، تحول از سنت به مدرنیسم در عصر پهلوی و گسترش شهر تهران و کلان شهرهای امروزی، مداخله گری دولت مقتدر و از طرفی دیگر افزایش درآمد نفتی بود، که این افزایش درآمد نفت فرصت های بزرگی را برای رشد برنامه ریزی شهری در کشور به وجود آورد.

"تحولات معماری و شهرسازی پس از انقلاب تعلق دارد به دوره ای که در ابتدای آن روحیه انقلابی گری حاکم، مدرنیته تحمیل شده از سوی بالا دست را بر نمی تابید و شهر را به عنوان نماد این مدرنیته مورد بی اعتنایی خویش قرار داد. سپس دهه ۶۰ را با تمام ویژگی های خاص خویش و تب و تاب جنگ و ویرانی حاصل از آن را داریم. دوره ای که بازسازی خرابی های حاصل از جنگ محوریت موضوعات معماری و شهرسازی را تشکیل می داد و شهر و روستا به عرصه ای برای آزمون و خطای برنامه ریزی تبدیل شد. نظریه های آماده سازی زمین، شهرهای جدید، طرح های توسعه و عمران همه به این دوره متعلق هستند و سرانجام دهه ۷۰ «معماری و شهرسازی توسعه گر» آن را در قالب سه جریان «فرهنگ گرای»، «نوآوری» و «فرانوآوری» شرح و بسط می دهد". (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۶)

انقلاب اسلامی و شهر

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ که به پیروزی رسید از کل جمعیت کشور ایران نزدیک به ۴۷ درصد آن شهرنشین بود، فرآیندی که از ابتدای دهه ۴۰ شمسی (دهه ۶۰ میلادی) با انجام سیاست های اصلاحات (رفرم) اراضی شاهد رشد مهاجرت های داخلی (از روستا به شهر و از شهر به شهر) روبه رو می باشیم. در این دوره نرخ متوسط رشد طبیعی جمعیت در حدود ۳ درصد و نرخ رشد شهرنشینی در حدود ۶ درصد است. (لطیفی، ۱۳۹۱: ۶۱) این روند به تدریج با افزایش درآمدهای نفتی استمرار می یابد، این افزایش شهرنشینی در جامعه ایرانی با ساختار کهن سنتی و متفاوت با مفاهیم زندگی شهری به معنای ویژگی مدرن و ابزاری آن، هماهنگ نبود و با ورود جمعیت مهاجر به شهر دوگانگی اجتماعی و فرهنگی بروز می یافت بسیاری از این مهاجرین به دلیل فقر اقتصادی نمی توانستند از مسکن مناسب برخوردار باشند به همین

سبب بسیاری در نواحی حاشیه ای شهرهای بزرگ و نیز در مناطق محروم شهرها استقرار می یافتند. اجرای اصلاحات ارضی جمعیت مهاجر روستایی را به سمت نواحی شهری به ویژه در شهرهای بزرگ سوق داد، از این دوره شاهد استقرار صنایع بزرگ و کوچک در کنار شهرها، بخصوص در کنار شهرهای بزرگ و مراکز جمعیتی می باشیم و به تدریج سهم اشتغال در بخش های دوم و سوم اقتصاد نسبت به بخش اول پیشی می گیرد.

وقوع انقلاب و نوید مسکن ارزان قیمت و نیز کاهش نظارت بر ساخت و ساز و املاک فراریان از کشور زمینه تصاحب زمین و املاک بدون مالک را فزونی بخشید، بویژه این روند در تهران و شهرهای بزرگ از رشد بیشتری برخوردار بود. نگاهی به شعارهای اوایل انقلاب در خصوص زمین و مسکن و نیز اعلام اینکه زمین از آن خداست و خانه نخريد ارزان می شود، سبب رشد جمعیت به سمت نواحی شهری شد و متعاقب جنگ تحمیلی این روند روبه تزايد گذاشت. از دیگر سو بسیاری از مقررات طرح های شهری به زیر سؤال رفت، شهرها بدون داشتن طرح و نقشه ای برای رشد و توسعه و در قالب روزمرگی، صرفاً اداره می شدند. شرایط جنگی به شهرها چهره ای خاص بخشیده بود و بسیاری از ادارات و سازمان ها سنگربندی شده بود و در زیرزمین آن ها و مدارس پناهگاه و جان پناهی برای شهروندان در مقابل بمباران های جنگی طراحی شده بود. رشد شهری مانند شلنگ آبی بود که فشار آب آن را رها کرده بود و مدام پیچ و تاب می خورد. و بیشتر شهرها شروع به رشدی ناموزون را تجربه کردند. دوره انقلاب مثل هر انقلابی از ویژگیهای خاص خود برخوردار است.

دوره ای که در ابتدای آن روحیه انقلابی گری حاکم، مدرنیته تحمیل شده از سوی بالادست را برنمی تابید و شهر را به عنوان نماد این مدرنیته مورد بی اعتنائی خویش قرار داد. سپس دهه ۶۰ را با تمام ویژگی های خاص خویش و تب و تاب جنگ و ویرانی حاصل از آن را داریم. دوره ای که بازسازی خرابی های حاصل از جنگ محوریت موضوعات معماری و شهرسازی را تشکیل می داد و شهر و روستا به عرصه ای برای آزمون و خطای برنامه ریزی تبدیل شد. (حبیبی، ۱۳۸۵).

جدول شماره ۱: درصد رشد جمعیت روستایی، شهری و کل کشور از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۰

کل کشور	نقاط شهری	نقاط روستایی	شرح
۳/۱۳	۵/۱۰	۲/۰۹	۱۳۳۵-۴۵
۲/۷۱	۴/۹۳	۱/۱۱	۱۳۴۵-۵۵
۳/۹۱	۵/۴۱	۲/۲۷	۱۳۵۵-۶۵
۲/۵۰	۳/۴۴	۱/۱۴	۱۳۶۵-۷۰
۱/۴۷	۲/۹۴	- ۰/۶۴	۱۳۷۰-۷۵
۱/۶۱	۲/۷۴	- ۰/۴۴	۱۳۷۵-۸۵
۰/۶۶	۱/۴۳	- ۰/۹۴	۱۳۸۵-۱۳۹۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نماگرهای جمعیتی، سال ۱۳۹۲

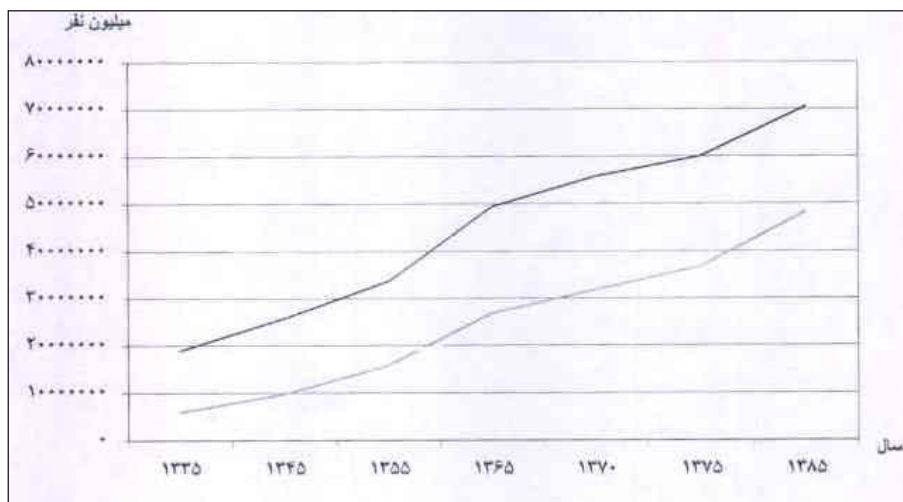
جدول شماره ۲: محاسبه رشد سالانه جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستایی کشور: ۸۵-۱۳۶۴

شرح ۱۳۶۵	سال			متوسط رشد سالانه	
	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۸۵- ۱۳۶۵	۵- ۱۳۷۵
کل	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱/۶۲	۱/۹۶
شهری	۲۶۸۴۴۵۶۱	۳۶۸۱۷۷۸۹	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲/۷۴	۳/۲۱
روستایی	۲۲۶۰۰۴۴۹	۲۳۲۳۷۶۹۹	۲۲۲۳۲۵۱۸	۰/۴۴	۰/۲۸
شرح ۱۳۶۵	سال			متوسط رشد سالانه (بازسازی شده)	
	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۸۵- ۱۳۶۵	۵- ۱۳۷۵

۱/۷۹	۱/۶۲	۱/۹۶	۷۰۴۹۵۷۸۲	۶۰۰۵۵۴۸۸	۴۹۴۴۵۰۱۰	کل	شهری
		۲/۸۹		۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۷۶۸۱۰۸۱	بر مبنای ۷۵	
۳/۴۷	۴/۰۳	۲/۹۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۲۵۰۷۳۸۵	۲۴۳۸۰۹۷۵	بر مبنای ۸۵	
		۰/۶۶		۲۳۲۳۷۶۹۹	۲۱۷۶۳۹۲۹	بر مبنای ۷۵	روستایی
-۰/۶۰	-۲/۱۲	۰/۹۵	۲۲۲۳۲۵۱۸	۲۷۵۴۸۱۰۳	۲۵۰۶۴۰۳۵	بر مبنای ۸۵	
-۰/۶۳	۲/۱۴	۱/۲۹	روستایی ۲۱۴۴۶۷۸۳	شهری ۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۵۱۴۹۶۶۹	کل ۹۵	

مأخذ: مرکز آمار ایران، نماگرهای جمعیتی، سال ۱۳۹۲

با توجه به جدول شماره ۱ که نرخ رشد جمعیت کشور ایران را به تفکیک مناطق شهری و روستایی و کل را نشان می دهد که به جز سال ۶۵ که نرخ رشد جمعیت در کشور از شدت بالایی برخوردار می باشد (۳/۹) که اگر رشد شهرنشینی که تا قبل از دهه چهل شمسی (دهه ۶۰ م) کند و بطئی بود از این دهه به بعد به دلیل اجرای سیاست های اصلاحات ارضی و نیز درآمدهای نفتی نرخ رشد شهرنشینی افزایش می یابد و بیشتر این افزایش جمعیت شهری در شهرهای بزرگ کشور از جمله تهران متحقق می شود و در درون شهرها به دلیل کمبود زیرساختها و نیز کمبود مسکن شهری هم رشد نواحی حاشیه نشین را شاهد هستیم و هم نواحی زاغه نشین را در داخل شهرها می بینیم.



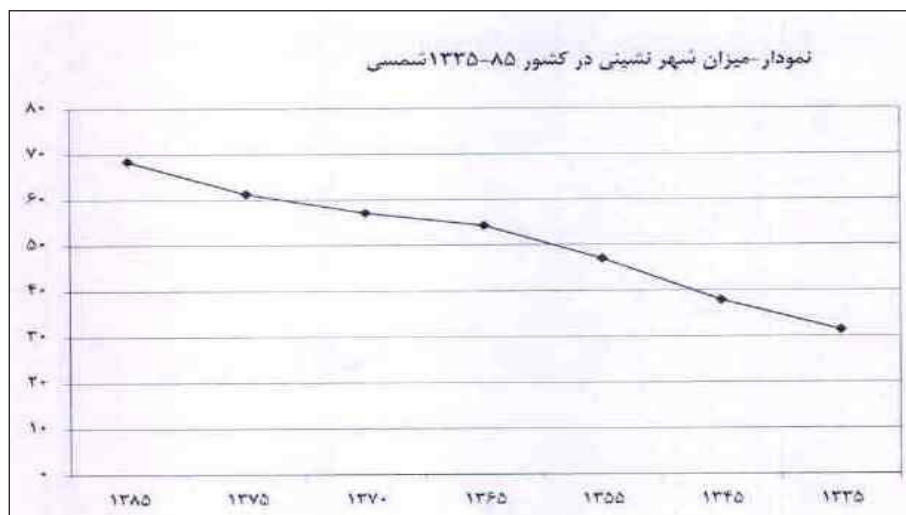
نمودار جمعیت کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی

مأخذ: مرکز آمار ایران، نماگرهای جمعیتی، سال ۱۳۹۲

ماهیت شهرنشینی در جامعه سنتی ایران ریشه در روابط نظام سرمایه داری وابسته دارد، تفاوت زیادی بین بسیاری از شهرهای کشور یا روستاها وجود ندارد و بیشتر از نظر اندازه متفاوتند. بسیاری از متفکران ریشه نارضایتی جامعه شهری در ۱۳۵۷ را در قالب فرآیند سیاست های اقتصادی و اجتماعی و بطور خاص سیاست های شهری می بینند (هالیدی، ۱۹۹۲ و کاتوزیان، ۱۹۹۶ و بیات، ۲۰۱۲) که معتقد بودند بیشتر نارضایتی ها را توده های فقیر شهری تشکیل می دادند.

تحولات شهرسازانه دهه ۴۰ و ۵۰ و تعجیل در اجرای سیاست های توسعه گرایانه از بالا به پایین و تشدید دوگانگی های اجتماعی و اقتصادی و رشد تضادهای بین سنت و رویکردهای مدرنیستی، شکاف جامعه را با نظام ارزشی حاکم بر آن فزونی بخشید و جامعه پذیرای انقلاب و تغییرات اجتماعی شد و توده های فقیر شهری مهمترین ارکان این دگرگونی گردیدند. (هالیدی، ۱۹۹۰). تاریخ نوین ایران به اعتباری، تاریخ گسترش بسیار شتابان شهرنشینی، از سویی و انباشتگی جمعیت در چند شهر بزرگ به ویژه تهران، از سوی دیگر است. این امر

شاید گویاترین نشانه گذر جامعه ایران از ارباب - رعیتی به نظام سرمایه داری است (توفیق، ۱۳۷۲: ۳۱۲).



نمودار میزان شهرنشینی در کشور ۸۵-۱۳۳۵ شمسی

مأخذ: مرکز آمار ایران، نماگرهای جمعیتی، سال ۱۳۹۲

معماری مدرن، که بر اساس تحول در جوامع سنتی، در پی صنعتی شدن و تغییر در نحوه زندگی و دیدگاه های مردم در غرب به سبب انقطاع از گذشته شکل گرفت، سبکی است که بیش از همه سبک های غربی بر معماری و شهرسازی ایران تأثیر گذار بوده است. در ایران هم روند مدرن شدن به صورت تقلید از معماری مدرن غرب در جریان است و به گسترش شهرنشینی و تسلط روزافزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است و بسیاری از هنجارهای اجتماعی و حتی زندگی روزمره انسان ها را تحت تأثیر قرار داده و در پی ایجاد هنجاری جدید، ناهنجاری را جایگزین آن کرده است و مجال اندیشیدن، شفاف سازی و بومی کردن را پیدا نکرد و تنها جنبه های ظاهری، عوامل محتوایی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد، به تعبیر کاتوزیان رشد مدرنیته در ایران دیرپا، سطحی و در اثر نبود، یک کلیت فکری منسجم و جهت گیری نظام یافته، کاملاً جزء گرایانه عمل کرده است.

زمینه های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل گیری آثار معماری بسیار مؤثرند. معماری و شهرسازی معاصر ایران در بستری شکل گرفته است که در جریان های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به طور مداوم تأثیر پذیرفته است. فناوری شیوه زندگی مردم و متعاقب آن کالبد و محیط زیست وی را تغییر داده است. می توان عنوان نمود گذار به مدرنیته در جامعه ایران از حدود یک قرن پیش آغاز شده است و هم اکنون نیز در جریان است زیرا که جامعه ما هیچ گاه زیرساخت های مدرنیته را به صورت کامل در اختیار نداشته و از نظر فنی نیز همواره کمبودهای فراوانی وجود داشته است.

شهرنشینی نوین با انقلاب صنعتی شکل گرفت، که در آن ساخت شهرها دگرگون شد و سازمان اجتماعی تغییر یافت و این تغییرات در روابط درونی شهرها نیز بروز کرد. جریان صنعتی شدن، نامساعدترین محیط های شهری را به وجود می آورد که افراد مرفه هم در آن در امان نبوده اند. شهرنشینی و صنعتی شدن با توسعه همگام شد و در آغاز صنعتی شدن مهاجرت های شهری مرکزگرا بودند، اما پس از آن چون هسته مرکزی شهر به حالت انفجار درآمد، مهاجرت های مرکزگرای آغاز شد و بدین ترتیب مادرشهرها با گسترش شهر به بیرون و پیدایش حومه نشینی همزمان گردید و این سرآغاز توسعه پراکنده در شهرها شد. (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۴۵). تراکم کم، پراکندگی عرصه مسکونی و تجاری، استفاده بی جهت از زمین، به طور عادی برای عنوان پراکنش استفاده می شود. الگویی که امروزه توسعه های غالب و مسلط بر شهرهای ماست (بحرینی، ۱۳۸۸: ۴۲) رشد شهر تهران با مرکزیت سیاسی آن در دوران قاجار منجر به شکل گیری سبک تهران شد.

می توان شکل گیری چارچوب اصلی سبک تهران را در زمان تشکیل دولت قاجار دانست، ولی برای دستیابی به مفهوم واقعی نیازمند دو واقعه مهم تاریخی بود: یکی اقدامات اصلاح طلبانه میرزاتقی خان امیرکبیر در زمینه ایجاد سازمان دیوانی جدید و دیگری حضور معلمین و مهندسين اروپایی در مدرسه دارالفنون به عنوان اولین مدرسه عالی. سبک تهران، همچون مکتب اصفهان، از مداخلات سنگین در بافت کهن شهری خودداری می ورزید و از طریق جابه جایی مرکز شهر، جابه جایی های اجتماعی را نیز سبب شد. مرکز شهر از سبزه میدان و میدان ارگ به میدان توپخانه انتقال یافت. میدان نیز در مفهوم، ساخت، سازمان و

عملکرد، به گونه ای دیگر سامان یافت. میدان توپخانه، ارگ، بهارستان و امین السلطان، هر کدام تبلور کالبدی و نشانه ای از این دگرگونی بودند. در این میدان، برخلاف میدان مکتب اصفهان به جای مسجد و مدرسه، کاخ حکومتی و بازار، عناصری چون عمارت تلگرافخانه، پستخانه، بانک، عمارت بلدی و نظمی استقرار پیدا کرد. فضا تجلی اندیشه بشری است. از تحلیل آن می توان به شیوه زندگی و نحوه نگاه انسان به جهان پی برد، از این رو سیر تکوینی اندیشه جوامع انسانی در قالب تحلیل تباینات فضایی و تغییرات کالبدی قابل درک است (ریاضی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). خیابان، نه مانند خیابان مکتب اصفهان، صرفاً نقش تفرجگاهی، و نه مانند دوره های بعد از خود صرفاً جنبه ترافیکی داشت، بلکه به عنوان فضای شهری زنده و پویا نقش خود را یافت. محله در سبک تهران، مانند مکتب اصفهان، محل تظاهرات قومی - قبیله ای نبود و از این پس نماد تمایزات اجتماعی (محله فرادستان و فرودستان) به شمار می آمد (حبیبی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). بازار با یک رقیب جدی مواجه شد و عملکردهای جدیدی چون تماشاخانه، سینما و هتل، چهره شهر را دگرگون کرد و مفهوم شهر اروپایی را به گونه ای صوری جایگزین آن نمود.

با روی کار آمدن رضاخان فعالیت های شدیدی در زمینه تغییرات فیزیکی شهرها صورت گرفت. دولت جدید ناشی از کودتا، پرچمدار (نوگرایی) و دگرگونی در سازمان کهن زیست و تولید، در اولین برخورد خود دگرگونی ساختار کالبدی شهر و شالوده تاریخی آن را در دستور کار قرار داد؛ با این باور که دگرگونی کالبدی و شکلی، تغییرات پایه ای و محتوایی را سبب خواهد شد و خود دولت است که تعیین کننده سبک معماری بود و اغلب پروژه های معماری را نیز دولت اجرا می کرد (معرفت، ۱۳۰، ۱۳۷۵-۱۳۸). بر این مبنا، برای نخستین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن می شود چهره و سازمان شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی، بلکه بر اندیشه و تغییراتی برونوی دگرگون سازد. اندیشه ای که تحول و تطور شهر را از قرون وسطای اروپا به بعد باز می شناسد و با تغییراتی که در قرن نوزدهم بر پیکر شهر وارد آورده است بر آن بود تا آن را با دو مقوله ساختار کالبدی و فضایی شهر، در دستور کار خویش قرار بدهد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

درچنین دگرگونی هاو تحولاتی، مفاهیم و عملکردهای سنتی به کنار گذاشته شدند و

شهر به عنوان تبلور فضایی کالبدی این دگرگونی، ارزش های قدیم سازمان فضایی خود را به دورانداخت. به همین دلیل است که یکباره دخالت های عظیم کالبدی در بافت قدیم شهرهای ایران از جمله تهران، اصفهان، یزد، کاشان، کرمان، مشهد و همدان آغاز شد که در بسیاری از موارد، انسجام کالبدی و اجتماعی این شهرها را تحت الشعاع خود قرار داد. در این مقطع تاریخی، دولت به عنوان نهاد مداخله گر و در عین حال مقتدر، هم از لحاظ قدرت و هم ثروت، برای اولین بار در تاریخ شهرسازی کشور دست به تغییر ساختارهای فضایی شهرها زد. این که بیش از هر چیز به توسعه معابر و خیابان کشی می اندیشیدند، تفکری وارداتی و برونی برخاسته از نظریه پردازی های نوگرایان نسل دوم شهرسازی جهانی بود؛ چراکه خیابان در آن دوران به عنوان نماد تجدد شناخته می شود (غمامی، ۱۳۷۱: ۲۴).

ایجاد چنین محورهایی، بدون هیچ تردیدی در جهت فروپاشی عناصر و اجزای سنتی شهر کهن انجام گرفت و توسعه آن ها در جهت تضعیف عملکردهای بازار (به عنوان یکی از ارکان مهم اقتصادی، خودمختاری خود را ازدست می دهد) و مکانگزینی عملکردهای تازه در چنین محورهایی بود؛ به طور کلی که بین عناصر فرهنگی جدایی افتاد و به انزوا کشیده شدند. محله های شهر مفهوم قبلی خود را از دست دادند و زندگی شهری نیز دگرگون و غیر ریشه ای گردید. این نوع شهرنشینی و شهرگرایی که نتیجه مستقیم نفوذ سرمایه های خارجی است، به هیچ وجه با گرایش های شهرنشینی دوران انقلاب صنعتی اروپا که در آن جا شهر به همراه و موازات توسعه صنعت دگرگون می شد، شباهتی نداشت. به طور کلی شهرهای کهن ایرانی در این دوره شاهد تغییرات و دگرگونی های بسیاری بودند زیرا علاوه بر آن که بخش عمده سرمایه گذاری ها در شهرها انجام می شد، احداث خیابان های متعدد، ساخت و سیمای آن ها را به کلی دگرگون کرد. به این ترتیب روندی آغاز شد که منجر به انزوای بافت قدیم و فرسودگی هرچه بیشتر آن ها گردید (نظریان، ۱۳۷۴: ۶۶-۱۹۲). البته نباید فراموش کرد که انتقال سریع تفکرات و ایده ها از خصایص جامعه مدرن است زیرا جامعه مدرن بر مبنای سرعت انتقال اطلاعات پایه گذاری شده و این تبادل اطلاعات در نهایت موجب یکسان سازی فرهنگ و الگوی معماری می شود. در این دوره همگام با تحولات جهانی و پژواک مدرنیته در سراسر جهان، مداخلات شهرسازی کشورمان نیز از این آرای بی

نصب نماد و برای نخستین بار احداث شهرسازی منظم در دستور کار دولت قرار گرفت.

تحولات در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷):

با کشیده شدن دامنه جنگ جهانی دوم به ایران در شهریور ۱۳۲۰، فعالیت های شهرسازی کاهش یافته و متوقف شد. اشغال ایران تا آخر جنگ جهانی دوم در ذائقه جامعه و بر تفکرات و فرهنگ حاکم بر جامعه تغییر ایجاد کرد. پس از جنگ جهانی دوم توجه به امر شهرسازی که مدتی به علت تعویض حکومت و مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی و نیز نبود امکانات مالی و از همه مهمتر فقدان متخصصان واجد صلاحیت، تعطیل بود، از سر گرفته شد (مزینی، ۱۳۷۳: ۳۹۴).

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با نفوذ همه جانبه دولت آمریکا در سیاست و اقتصاد ایران الگوهای رایج در آمریکا نفوذ همه جانبه و گسترده ای در کشور پیدا کرد. با توجه به این موضوع، با شروع تدوین برنامه های توسعه و عمران اقتصادی در ایران "نظریه برنامه ریزی جامع" به عنوان دیدگاه و اندیشه ای گریز ناپذیر به طور رسمی و قانونی مورد پذیرش واقع گردید. (تشکر، ۱۳۷۹: ۶).

طرح های شهرسازی به صورت شهرسازی آمرانه یا حکومتی به مرحله اجرا درآمد. این نوع از شهرسازی که تغییر ساختارهای فضایی شهرهای کهن ایرانی را به دنبال داشت بیش از همه ناشی از انقلاب مشروطیت و قانونمند شدن رابطه دولت و مردم، تحول از سنت به مدرنیسم در عصر پهلوی و گسترش شهر تهران و کلان شهرهای امروزی، در سال ۱۳۵۷ تمام طرح های شهری و مصوبات آن تعلیق شد و اداره شهرها تابع مقررات و برنامه خاص و مدونی نبود به عنوان مثال در شهر تهران و علی رغم آن که توسط گروه مهندسی مشاور آتک برای آن طرحی تهیه شد ولی هیچگاه اجرایی نشد و چند طرح تفصیلی نیز برای آن تهیه شد، باز به اجرا درنیامد تا آن که برای اولین بار در سال ۱۳۹۱ طرح تفصیلی تهران تهیه و نهایی شد و از سوی شهرداری تهران پذیرفته شد و به اجرا درآمد. در سال ۱۳۷۴ طرح های مجموعه شهری تصویب شد که زیر نظر استانداری ها انجام وظیفه نمایند. از سویی دیگر و با ورود دلارهای نفتی (پetroدلار) و رشد بخش صنعت و خدمات بیشترین سهم اشتغال نسبت

به بخش کشاورزی به این دو بخش تعلق گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های رژیم گذشته یا رها شد و یا به اجرا درنیامد و باتوجه به آرمان‌های انقلاب (زمین از آن خداست) از نخستین موضوعات حائز اهمیت، بخش واگذاری زمین برای احداث مسکن مناسب به مردم بود، و با توجه به موازین اسلامی که زمین موات ملک کسی شناخته نمی‌شود و در اختیار دولت اسلامی است؛ و اسناد مالکیتی که در رژیم سابق نسبت به زمین‌های موات داخل محدوده شهری یا خارج از آن صادر شده، بر خلاف شرع بوده است، از این رو قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۵ و اصلاحیه‌های آن مورخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ به تصویب رسید که با تصویب آن، اراضی موات به تملک دولت درآمد و پس از تفکیک و قطعه بندی آن، به افراد محروم جامعه واگذار شد.

به دلیل این وضعیت، متقاضیان دریافت زمین در شهرها افزایش یافت و به دلیل پایین بودن اطلاعات و نبودن ضوابط دقیق، و به منظور اجرای این مهم در هر استان، شرکتی دولتی به نام سازمان عمران اراضی تشکیل شد که تا سال ۱۳۶۰ فعالیت داشت.

از تغییرات مهم دیگر این دوره نوع مهاجرت‌های بین شهری و درون شهری است. عواملی همچون رویش اقشار مختلف جدید، و تغییراتی در محله‌های مسکونی و همچنین ایجاد محله‌های جدید، ترک خانه‌های قبلی و ساختن خانه‌های جدید (توالی) نوعی مسکن شهری شکل گرفت که نشان دهنده موقعیت اقتصادی صاحبان آن می‌باشد و از نظر اجتماعی نوعی برتری پایگاه اجتماعی جدید که در دوران انقلاب شکل گرفته است و مسبوق به سابقه نیست.

وقوع جنگ بین ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ و درگیر شدن ۶ استان کشور، که به مهاجرت اجباری بسیاری از مردم آن مناطق (روستایی و شهری) انجامید و نظام شهری کشور دستخوش رشد بی ضابطه‌ای شد که آثار آن تا سال‌ها بعد از جنگ بر کشور اثرگذار بود. در سال ۱۳۶۴ قانون شهرهای جدید به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد و بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با مطرح کردن این که جمعیت شهری در کشور افزایش یافته است و باید این جمعیت (سر ریزهای جمعیتی؟) به شهرهای جدید منتقل شود و به سرعت حدود ۳۰ شهر جدید در اطراف کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ مکانیابی شدند، (تعدادی از آن‌ها تعطیل

گشت) و اکثراً در جذب جمعیت ناکام ماندند. با آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) رویکرد نظام ریزی کشور با پیروی از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و الگوی نئولیبرالیستی در نظام اقتصادی کشور، این امر، به نظام شهری نیز سرایت کرد و شهرسازی کشور در گیر مسایلی شد، که صرفاً کسب درآمد در الویت بود نه مسایل اساسی در شهرها، که این روند تا کنون ادامه دارد.

تأسیس سازمان زمین شهری

پس از آنکه سازمان زمین شهری، به صورت شرکت دولتی، تحت پوشش وزارت مسکن و شهرسازی سابق (وزارت راه و شهرسازی جدید ۱۳۹۵) تأسیس گردید و در قالب اداره کل زمین شهری در استان ها به فعالیت پرداخت. با تصویب قانون زمین شهری در شهریور ۱۳۶۶ سازمان مذکور تا سال ۱۳۷۴ به همان شکل به کار خود ادامه داد. با توجه به مصوبه شماره ۳۵۱۰/دش مورخ ۱۳۷۲/۶/۱۵ شورای عالی اداری- که تغییراتی در وظایف سازمان زمین شهری به وجود آورد- نام آن به سازمان ملی زمین و مسکن تغییر یافت و با ادغام اداره های کل زمین شهری و شهرسازی های استان ها، تشکیلاتی با نام سازمان مسکن و شهرسازی در مراکز استان ها به وجود آمد که با در نظر گرفتن مسائل فوق، بالطبع این سازمان با تشکیلات سازمانی خاص خود با استفاده از کارمندان اداره کل مسکن و شهرسازی، زمین شهری و سازمان مسکن به فعالیت پرداخت و مجری قوانین موجود و جاری در بخش زمین شهری فعالیت های تعریف شده وزارت متبوعه و نیز سازمان مسکن سابق گردید.

علاوه بر آن در آغاز انقلاب نوعی نگاه منفی در خصوص زندگی شهری وجود داشت و آن را زندگی مصرفی می پنداشتند و نسبت به زندگی روستایی نوعی حس نوستالوژیک وجود داشت. یکی از اقدامات در حوزه برنامه ریزی های کالبدی در ایران تهیه و تصویب طرح ملی کالبدی در سال ۱۳۷۵ بود که برای ۲۵ سال تهیه شده بود. این طرح به نوعی ملهم از طرح آمایش سرزمین در قبل از انقلاب بود و مطالعات پایه گروه بتل (Battelle) در آن بی تأثیر نبوده است.

در سال ۱۳۷۷ برای اولین بار انتخابات شوراهای شهری و روستایی به انجام رسید که

بر پایه اصول ۹۰-۱۱۰ قانون اساسی بود و تاکنون (۱۳۹۲) چهار بار تحقق یافته است و در بسیاری از شهرها به دلیل سوء استفاده اعضای آن، از سوی وزارت کشور منحل می گردید و برای شهر تهران انتخاب شهردار به وسیله اعضای شورای شهر و تصویب و ابلاغ از سوی وزیر کشور رسمیت می یابد.

تأسیس وزارت راه و شهرسازی

یکی از آخرین اقدامات در حوزه سیاست گذاری شهری، ادغام دو وزارتخانه راه و شهرسازی در یکدیگر بود و این فکر را القاء می نماید که هنوز در کشور تحت سیاست های مدرنیستی شهرسازی را در قالب راه می بینند در واقع باید شهرسازی با محیط زیست هماهنگ شود.

در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۰ وزارت راه و شهرسازی با رأی مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای نگهبان از ادغام دو وزارتخانه راه و ترابری و مسکن و شهرسازی تشکیل و مقرر گردید همه امکانات، تعهدات، اعتبارات، نیروی انسانی و اموال منقول و غیر منقول دو وزارتخانه یاد شده به وزارت راه و شهرسازی منتقل گردد. نظام شهرسازی ایران هنوز تحت تأثیر دستورات و برنامه های دولتی و شبه دولتی است و بیشتر شهر را در قالب کالبد معنای می کند. از سال ۱۳۶۸ به بعد تأکید تأمین درآمد شهر از محل فروش تراکم تأیید و تأمین شده است و سهم عمده ای از GDP و GNP در بخش ساخت و ساز قرار گرفته است.

"سهم متغیرهای اقتصاد کلان طی سال های ۸۴-۹۱ عبارت به این شرح بوده است: سهم ارزش افزوده بخش مسکن و ساختمان از تولید ناخالص داخلی بین ۴/۵ تا ۵/۵ درصد در نوسان بوده است بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۸۷ است و سهم سرمایه گذاری در بخش ساختمان و مسکن از سرمایه گذاری کل کشور بین ۳۷/۴ درصد تا ۴۴/۳ درصد بوده است. (یزدانی: ۱۳۹۴)"

نظام شهری ایران از ابعاد پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است و برنامه ریزی در آن مستلزم شناخت درست است، و در حال حاضر شاید به جرات بتوان به آن اذعان کرد که از فقدان نظام تئوریک در رنج است.

نتیجه گیری:

پس از انقلاب اسلامی نیز هرچند سعی بر آن شد تا استقلال معماران و شهرسازان ایرانی در حوزه ساخت و ساز بسیار بیشتر شود و در این زمینه یک تفکر مستقل در حوزه معماری ایرانی - اسلامی ایجاد شده که هم اکنون پس از حدود ۴۰ سال می توانیم این تفکر را نیز به دنیا منتقل کنیم و شهروندان نیز شاهد معماری متناسب با ویژگیهای فرهنگی جامعه ایرانی باشند. اما نمی توانیم این اصل را نادیده بگیریم که مدرنیته بدون وجود بسترهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و طبعاً بدون جهت گیری های مشخص از ابتدای قرن هجری شمسی به فضاهای بومی و محلی شهرها تحمیل شد و با گذشت زمان در چهارچوب دستورالعمل ها، توصیه نامه ها، استانداردها، ضوابط و معیارهای بیشتر بیرونی (برون زا) مورد توجه قرار گرفت. ابزار مهم تحقق اهداف این شهرسازی، توسعه فضاهای ارتباطی سواره، اعمال سرانه ها، تراکم ها، منطقه بندی و تفکیک فضاها و فعالیت ها در گستره شهری بود که در اثر بهره گیری از آن، بافت سنتی و تاریخی شهرها دچار استحاله شدید شدند.

بنابراین، توسعه مدرنیته و شهرسازی در ایران، پیش از آن که به عوامل ریشه ای و محتوایی معطوف باشد، بیشتر در تظاهرات کالبدی و فیزیکی آن خلاصه می شود. توسعه اساساً مقتدرانه و جهت گیری آن از بالا به پایین است، نه از مشارکت اجتماعی خبری است و نه همه توان مشارکت در تهیه و اجرای پروژه های جدید را دارند. واقعیتی که از ابتدای ورود شهرسازی مدرن تاکنون، با کمی تغییر، همواره در عناوین طرح ها روح قالب بوده است. باید توجه داشت که گسترش دادن بدون وجود ژرفا در عوامل سازنده، بی معنا است و در نهایت، جز اتلاف سرمایه و امکانات جامعه، نتیجه ای عاید شهر و شهروندان نمی کند. نظام شهرسازی ایران و به ویژه در دوران پس از جنگ و با گرایش به سمت رویکرد غالب بر نظام اقتصادی در کشور، به سوی رشد اقتصاد شبه لیبرالیستی و کسب درآمد از خود شهر برای هزینه های آن انجامید که تاکنون نیز ادامه دارد و رشد شهری بر پایه تقاضای موجود و قدرت چانه زنی بر پایه کسب درآمد برای هر دو طرف بر پایه بازی برد-برد ادامه دارد. شهرسازی فعلی از نبود یک نظام تثوریک برای رشد و توسعه شهری در تنگنا

قرار دارد و نیز مفهوم شهر در قالب یک نهاد مدنی حلقه ای مفقوده است، بسیاری از مسائل و مشکلات شهری در ضعف شناختن این پدیده پیچیده (شهر) قرار دارد. شهرها بالاترین بسترهای تغییرات اجتماعی اند و این روند با رشد زمانی از ماهیت پیچیده نظام ها و نهادهای اجتماعی برخوردارند.

تحول و تطور شهرسازی ایران در طی این چند دهه نظام اجتماعی را نیز در فرآیند استحاله ای قرار داده است که در اینجا می توان از آن به عنوان دالان اجتماعی نام برد که به تفصیل در مقاله ای دیگر به آن خواهیم پرداخت.

منابع

- اورکارد، برنار(۱۳۷۵) " شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا شاه"، شهریار عدل، و اورکاد، برنار ، "تهران پایتخت دویست ساله"، تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه، ص ۲۴۸-۲۳۱.
- ابراهیمی، سمیه و اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۹) " معماری و شهرسازی ایران در دوران گذر" هویت شهر، سال چهارم ش ۶
- اشرف، احمد(۱۳۵۴)، ویژگی های تاریخی شهرنشینی و شهرگرایی در ایران، تهران: نامه علوم اجتماعی
- بحرینی، حسین(۱۳۸۴)، تجدد و فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران
- توفیق، فیروز (۱۳۸۶)، آمایش سرزمین، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی
- حبیبی، سیدمحسن(۱۳۹۳)، "از شار تا شهر"، چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران
- حبیبی، سیدمحسن(۱۳۸۵)، شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- حبیبی، سیدمحسن(۱۳۷۹)، "نخستین پژواک مدرنیته ایران" فصلنامه گفتگو، ش ۵، ص ۱۰۰

سعیدی رضوانی، نوید "شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش"

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵) ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران، تهران: نشر آزاد

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۳) "شهرسازی در عصر پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)" معماری فرهنگ " ش ۱۸+۱۹، ص ۶-۲۱

غمامی، مجید (۱۳۸۷)، مسائل شهرسازی ایران، تهران: نشر آگاه
کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۶۶) "اقتصاد سیاسی ایران"، جلد اول، تهران: انتشارات پایروس

کامروا، محمدعلی (۱۳۹۱) شهرسازی معاصر، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران
لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱) مبانی و اصول برنامه ریزی شهری، تهران: نشر علم
لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۳) شهرسازی معاصر، جزوه درسی
مدنی پور، علی (۱۳۸۱) "تهران، ظهور یک کلان شهر"، ترجمه حمید زرآذروند، تهران: موسسه پردازش و برنامه ریزی شهری

مزینی، منوچهر (۱۳۷۱) مقالاتی در باب شهر و شهرسازی، تهران: دانشگاه تهران
هالیدی، فرد (۱۳۵۸) دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، مترجم فضل الله نیک آیین، تهران: امیرکبیر

واتسلا اوستروفسکی (۱۳۷۱)، "شهرسازی معاصر" ترجمه لادن اعتضادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

Form Neighborhood to Nation: The Democratic Foundations of Civil Society
Ken Thomson- political scienceol

A.A.F. Massawe (1996) Urban Management: Issues, problems and trends
Issue 1 of IDM local government series

Volume 1 Of Ceest Book Series

Asef Bayat, Life as Politics: how ordinary people change the Middle East

(2012), Amsterdam University press, chapter 8: pp 161-171

G.shabbir cheema Urban Management Policies and innovation in developing countries.

Meine Pieter van Dijk (2015) Managing Cities in developing Countries: The Theory and Practice of Urban Management

Matthew S. Westfall and Victoria A. de Villa (2001) Urban Indicators for Managing Cities.

Journal of Urban Management Production and Hosting by Elsevier b.V. on behalf of Zhejiang University and Chinese Association of Urban Management.